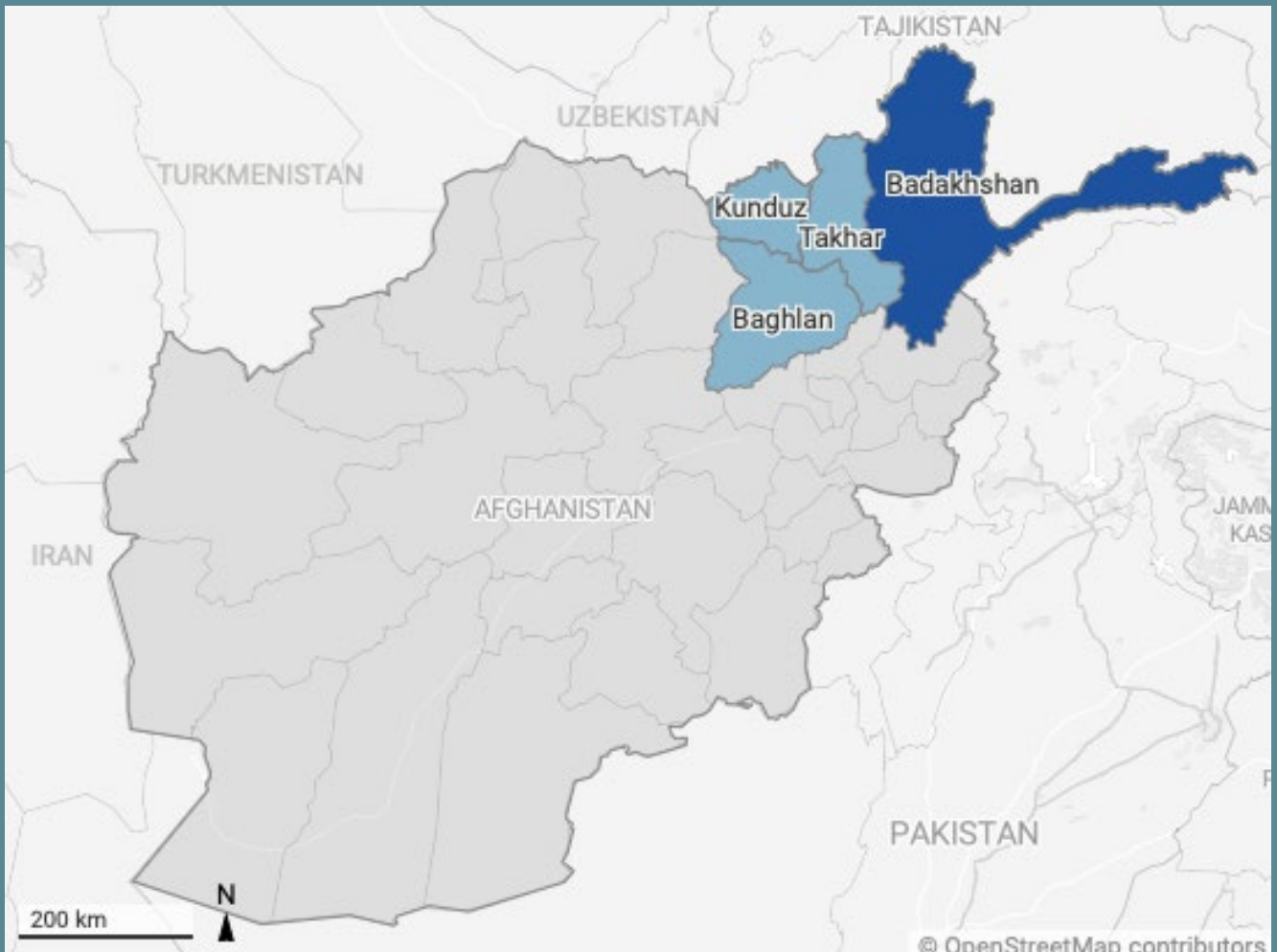




محرك محلی جنگ و صلح در شمال شرق افغانستان: یافته های گردهمایی محلی برای صلح



پس منظر

هر چهار ولایت به طور گسترده ای روستایی بوده و بیشترین تراکم جمعیت در شهر کندز و اطراف پلخمري در بغلان می باشد (اشکال ۱ و ۲ را بنگرید). زراعت معیشتی و مالداري معیشت های اکثر باشندگان این ولایات بوده و معدنکاری نیز منبع عاید اضافی برای اجتماعات روستایی در بدخشان و تخار می باشد (WFP, Novem- 2010, Samuel Hall, 2011, AAID, 2011, ber 2016). معیشت های روستایی در برابر خشکسالی و سیل - که در سالهای اخیر محصولات غذایی و احشام را شدیداً کاهش داده اند - آسیب پذیر می باشند (Climate Center, April 2021).

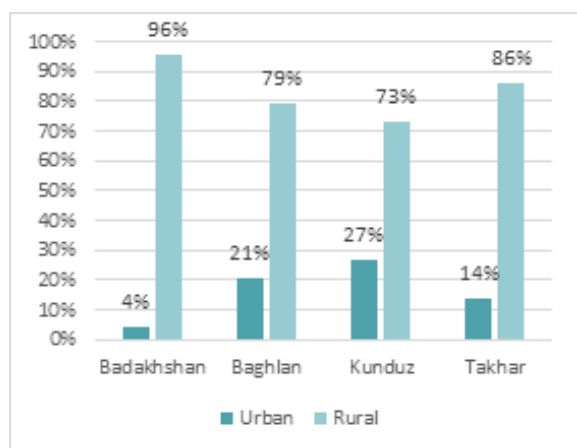
میزان فقر در کندز با ۷۷ فیصد در بالاترین حد قرار دارد و بدخشان با ۶۵ فیصد، بغلان با ۵۸ فیصد و تخار با ۵۲ فیصد (که با اوسط ملی فقر یکسان است) در مکان های بعدی قرار می گیرند (UNDP, 2020). در سال ۲۰۱۸، تخار و بدخشان در بین ده ولایت دارای بالاترین میزان ناامنی غذایی قرار داشته اند (CSO, 2018).

شکل ۱: تخمین نفوس (۲۰۲۰)

ولایت	مجموع	شهری	روستایی
بدخشان	۱,۰۵۴,۰۸۷	۴۲,۹۰۰	۱,۰۱۱,۱۸۷
بغلان	۱,۰۱۴,۶۳۴	۲۱۱,۱۰۵	۸۰۳,۵۲۹
کندز	۱,۱۳۶,۶۷۷	۳۰۳,۲۵۵	۸۳۳,۴۲۲
تخار	۱,۰۹۳,۰۹۲	۱۴۸,۶۰۰	۹۴۴,۴۹۲

منبع: اداره ملی احصائیه و معلومات (۲۰۲۱)

شکل ۲: سهم نفوس شهری و روستایی



برگرفته از آمار و ارقام اداره ملی احصائیه و معلومات (۲۰۲۱)

به سوی صلح پروژه مشترک بنیاد فریدریش ایبرت (SEF)، مؤسسه مطالعات عامه افغانستان (ORPPA) و میدیوتیک افغانستان برای انکشاف و صلح (OPDAM) می باشد.

این پروژه برای تسهیل تبادل نظر منظم درباره موانع محلی و فرصت های صلح در هفت زون؛ کندهار، هرات، بلخ، بدخشان، بامیان، ننگرهار و کابل طراحی شده است.

این پروژه به برگزاری یک سلسله گردهمایی های محلی برای صلح می پردازد تا افغانها «در جاهایی که هستند» درباره راههای حل منازعات از طریق گفتگو، تبادل نظر و فعالیت سهم بگیرند. در نتیجه، این رویدادها مشارکت فعال در سطح اجتماع را در تلاش برای ایجاد یک چشمانداز مشترک برای صلح ترغیب می کند. تهیه نشریات و تولیدات رسانهای تصویری کمک می کند تا ذینفعان محلی، ملی و بینالمللی در این باره آگاه شوند و پیشنهاداتی برای مشارکت در آینده ارائه دهند.

این چکیده توسط مؤلفین، لوسیل مارتین، سعید پرتو و مارتا لگراندا، به عنوان بخشی از همکاری میان بنیاد فریدریش ایبرت (SEF)، مؤسسه مطالعات عامه افغانستان (ORPPA) و میدیوتیک افغانستان برای انکشاف و صلح (OPDAM) تهیه گردیده است.

در بیست و چهارم می ۲۰۲۱ یک گردهمایی محلی برای صلح در فیض آباد بدخشان برگزار شد و نمایندگان جامعه مدنی از چهار ولایت در منطقه شمال شرق افغانستان را گردهم آورد: بدخشان، بغلان، تخار و کندز. ذیلاً یک نظر اجمالی از ابعاد اساسی جمعیت، جغرافیا، اقتصاد و جنگ در هر ولایت ارائه می شود و به دنبال آن نگاهی به روند برگزاری گردهمایی خواهیم داشت. در ختم این چکیده نتایج عمومی مباحث ارائه می شود.

در تمام چهار ولایت مذکور در طول سال ۲۰۲۰ و نیمه نخست ۲۰۲۱ درگیری و خشونت مداوم بین گروه های مسلح مخالف دولت و نیروهای امنیتی افغانستان وجود داشته که منجر به چندین مورد بیجاشدگی گردیده است (OCHA, 2020a, 2020b, 2020c, 2021).

در سال ۲۰۲۰، کندز و بغلان در بین پنج ولایت دارای بیشترین تلفات ملکی که به قوای طرفدار دولت نسبت داده شده است، بوده اند. در همان سال مدافعان حقوق بشر و گزارشگران رسانه ها نیز قربانی حملات گروه های مسلح مخالف دولت شده اند (UNAMA, 2021). گزارشات مکرر شرکت پولیس محلی افغان در قضایای نقض حقوق بشر نیز در تخار، کندز و بغلان وجود داشته است (Clark, November 14, 2019).

ولایات بدخشان، کندز و تخار که در امتداد مسیر شمالی قاچاق مواد مخدر در مرز با تاجیکستان واقع شده اند، تحت تأثیر رقابت های فرقه ای بر سر کنترل تجارت مواد مخدر در میان دلالان محلی قدرت قرار گرفته اند (همان منبع).

تنها در طول ماه جون ۲۰۲۱ شش ولسوالی در کندز، یازده ولسوالی در تخار، هشت ولسوالی بغلان و دو ولسوالی در بدخشان در معرض حملات گروه های مسلح مخالف دولت قرار گرفته اند.

ولایت کندز از شرق با تخار، از جنوب با بغلان، از غرب با بلخ و از شمال با تاجیکستان هم مرز است. زبان های اصلی باشندگان این ولایت شامل پشتو (بیش از ۴۰ فیصد ساکنان)، دری (۲۶ فیصد)، ازبکی (۲۰ فیصد) و اقلیت های ترکمنی زبان می باشد (CSO 2005).

این ولایت در سال های ۲۰۱۵، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ شاهد حملات عمده از سوی طالبان بوده است. کندز که یک محور تأمیاتی استراتژیکی برای طالبان بوده است، از سال ۲۰۱۵، یعنی زمانی که پایتخت ولایت برای نخستین بار به تصرف طالبان درآمد، به عنوان مکانی برای لشکرکشی و مبارزات آنان استفاده شده است (UNSG, 12 March 2021; Ali and Ruttig, 11 September 2019; Ali, 30 January 2016; RFE/RL, n.d. در سال ۲۰۲۰).

کندز بالاترین تعداد تلفات ملکی را در میان چهار ولایت مورد نظر داشته است (UNAMA, 2021).

بغلان که در جنوب کندز موقعیت دارد، از غرب با سمنگان، از جنوب غرب با بامیان، از جنوب با پروان، از جنوب شرق با پنجشیر و از شرق با تخار هم مرز است. دری زبان اصلی ۷۰ فیصد نفوس این ولایت بوده و به دنبال آن پشتو زبان ها (با ۲۰ فیصد) و اقلیت های ازبکی زبان در مکان های بعدی قرار می گیرند (CSO, 2005).

این ولایت در امتداد شاهراه ترانسپورتی هندوکش واقع شده است. این شاهراه مسیر ترانسپورتی عمده ای است که کابل را به شمال کشور وصل می کند و یک جاده حیاتی برای انتقال اجناس، مواد سوختی و نیروهای نظامی به شمار می آید. فشار طالبان بر مسیرهای شمالی این شاهراه که در مرکز ولایت (پلخمیری) به دو شاخه به سمت کندز و بلخ منشعب می شود، دسترسی و کنترل دولت بر شمال کشور را مختل ساخته است (UNSG, March 12, 2021).

امنیت ولایت از سال ۲۰۱۶ بدین سو شدیداً کاهش یافته است. در ماه سپتمبر ۲۰۱۹ طالبان یک حمله هماهنگ شده را بالای شهر کندز و پلخمیری (مرکز بغلان) آغاز کردند و از آن زمان به بعد دست کم کنترل نسبی تمام ولسوالی های واقع در هر دو ولایت را به دست گرفتند (Ali, 30 October 2019).

ولایت **تخار** در شرق کندز در امتداد مرز شمالی با تاجیکستان واقع شده است. این ولایت از جنوب غرب با بغلان، از جنوب با پنجشیر و از شرق با بدخشان هم مرز است. دری و ازبکی دو زبان اصلی این ولایت می باشند که هر یک توسط تقریباً ۴۵ فیصد باشندگان تکلم می شوند و پشتو در مکان بعدی قرار می گیرد (CSO, 2005).

تخار یک ولایت سرشار از معادن شامل سنگ زغال، سنگ گچ، نمک و طلا می باشد. معادن در معرض رقابت شدید میان قدرتمندان محلی قرار داشته و دولت

به دلیل نا امنی قادر به استخراج آنها نمی باشد و یا در این زمینه با مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می کند. بنا به گزارشات، طالبان با بهره‌برداری معادن طلا، منابع مهمی را از این ولایت بیرون میکشند (Kakar, 27 April 2021; MOMP, n.d).

حضور طالبان در تخار از سال ۲۰۱۹ افزایش یافته و برخوردهای خشونت باری بین طالبان و نیروهای امنیتی افغان در سراسر ۲۰۲۰ گزارش شده است (Ali and Rut-tig, در اثر مذکور؛ UNAMA, در اثر مذکور) درگیری های زمینی، حملات هوایی و قتل هدفمند اعضای دولت از دلایل اصلی تلفات ملکی به حساب می آیند که در سال ۲۰۲۰، ۲۵ درصد نسبت به ۲۰۱۹ افزایش یافته است. گزارشات همچنان حاکی از حملات طالبان به مکاتب محلی و حملات هوایی نیروهای امنیتی افغانمی باشند که منجر به خرابی و انهدام ساختمانهای تعلیمی و کشته شدن متعلمان و پرسونل شده است (UNAMA, op.cit). رقابت و هموردی فرقه ای بین گروه های مسلح وابسته به قدرتمندان محلی و اهمیت اقتصاد مواد مخدر، پویایی های جنگ را پیچیده تر می کنند (Clark, November 2019, 14).

بدخشان که در رأس شمال شرقی افغانستان واقع شده است، از شمال با تاجیکستان هم مرز است. از سمت شرق، دهلیز واخان تا شمال چیترا و گیلگیت بالتیستان و سرحد چین امتداد میابد. دری زبان اصلی بیشتر از ۸۰ فیصد نفوس ولایت بدخشان است و ازبکی زبان ها با بیشتر از ۱۰ فیصد و اقلیت های قرقیز زبان در دهلیز واخان در مکان های بعدی قرار می گیرند.

بیشتر از ۹۰ فیصد مساحت بدخشان را سرزمین های کوهستانی و نیمه کوهستانی فراگرفته است. اجتماعات بدخشان پراکنده و بویژه در زمستان جدا از هم می باشند. این شرایط در ترکیب با زیربنای ناچیز، فرصت های تجارت را محدود می سازد که تا حدی ناشی از اهمیت نسبی معیشت های تجارت غیررسمی و قاچاق می باشد (Fishstein, 2014).

این ولایت همچنان به خاطر منابع معدنی بسیار با ارزش

خود مشهور است: سنگ لاجورد، طلا، لعل بدخشان، نقره، مس، سنگ آهک، آهن، میکا (mica)، سنگ زغال و موارد دیگر (Pajhwok, 14 January 2014; Fishstein, 2014). با این حال، صنعت معدن داری رسمی رشد محدودی داشته است. استخراج غیرقانونی معادن به دلیل نگرانی شدید در مورد ایمنی کارگران ممنوع اعلام شده است (BBC, 6 January 2019). کنترل معادن توسط گروه های مسلح غیرقانونی و شورش های نیز یک منشاء نا امنی در این ولایت به شمار می آید.

در ماه جون ۲۰۲۱ دست کم ۲۲ ولسوالی از ۲۸ ولسوالی ولایت در معرض جنگ و رقابت و ۲ ولسوالی تحت کنترل کامل طالبان گزارش داده شد. در سال ۲۰۲۰ تلفات ملکی تا ۷۵ فیصد در مقایسه با ۲۰۱۹ افزایش یافته است که اکثراً ناشی از درگیری های زمینی، قتل های هدفمند و مواد انفجاری دستی (غیرانتحاری) می باشد (UNAMA, در اثر مذکور).

گردهمایی بدخشان برای صلح: نظر اجمالی

هفتاد نفر با نمایندگی یکسان زنان و مردان در گردهمایی صلح در فیض آباد حضور بعمل آوردند. اشتراک کنندگان شامل نمایندگان جامعه مدنی، سکتور خصوصی، حکومت محلی، دانشگاهیان و نهادهای دینی از چهار ولایت مذکور بوده اند.

در هر گردهمایی محلی، اشتراک کنندگان به بحث و گفتگو با یکدیگر و شناسایی عوامل کلیدی جنگ در سطح محل میپردازند. سپس این عوامل به پالیسی ها ارائه می شود تا پیشنهاد بدهند که عوامل مذکور به چه شیوه هایی می توانند از طریق ابتکارات محلی در سطح اجتماع تحت رسیدگی قرار گیرند.

در فیض آباد چهار پالیسی به مشاهدات اشتراک کنندگان در ارتباط با عوامل جنگ در شمال شرق افغانستان پاسخ دادند. پالیسی ها متشکل از دو مرد و دو زن (یک عضو جامعه مدنی و مدافع حقوق زنان، یک مدافع حقوق اطفال، یک استاد کارآموزی تخیکی و یک نماینده از وزارت حج و اوقاف) بودند.

ناشی از نبود جنگ و موجودیت مکانیزم های مؤثرتر حکومتداری، می تواند سبب جذب سرمایه گذاری های اقتصادی_بویژه در زیربنای جاده ای و سکتور معدن داری رسمی_گردد.

با این حال، تردیدهای مهمی نیز در ارتباط با عملی شدن دو شرط مذکور (خاتمه دادن به جنگ و حفظ حقوق مندرج قانون اساسی) در نتیجه توافق صلح ابراز شده است. حقوقی که مشخصاً ذکر شدند و نیاز به حمایت و حفاظت دارند، شامل موارد ذیل می باشند: دسترسی همگانی به تعلیم، آزادی بیان و دسترسی زنان به کار و حوزه عمومی. پنالیست های زن هر دو به شدت معتقد بودند که پرداختن "تاوان صلح" برای زنان غیرقابل قبول است.

محرز نبودن نوعیت رابطه میان دولت و جامعه مدنی در صورت روی کار آمدن دولت کاملاً یا قسماً طالبانی نیز به عنوان یک هشدار و نگرانی مورد اشاره قرار گرفت. در آخریبا توجه به وجود شکاف شدید بین شهروندان از نقطه نظر برداشت ها نسبت به جامعه و تفسیر درست شریعت اسلامی در مورد ظهور نزاع های ایدئولوژیکی بین بخش های آزادیخواه و بخش های محافظه کار جمعیت، ابراز نگرانی شد.

عوامل محلی جنگ

چهار عامل اصلی جنگ که توسط اشتراک کنندگان گردهمایی فیض آباد شناسایی شد، عبارتند از:

- نبود حاکمیت قانون
- تکثیر اسلحه
- استخراج غیرقانونی معادن
- اقتصاد ضعیف

ابعاد کلیدی هر عامل، بنا به تشریحات اشتراک کنندگان، در ذیل ارائه می شود.



© FES, MADPO, APPRO / جلیل پویا

بخش دیگر گردهمایی بحث آزاد بین اشتراک کنندگان درباره توقعات مرتبط به صلح و نتیجه احتمالی توافق میان جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان است. انتظارات مرتبط به صلح و عوامل جنگ محلی که توسط اشتراک کنندگان شناسایی شده است، ذیلاً مورد اشاره قرار می گیرند.

انتظارات اشتراک کنندگان از صلح

اشتراک کنندگان گردهمایی بدخشان تاحدی امیدوار بودند که توافق صلح می تواند پیامدهای مثبت در پی داشته باشد، به شرطیکه این توافق: (۱) به طور مؤثر به جنگ خاتمه دهد، و (۲) حقوق مندرج قانون اساسی حفظ شود. این انتظارات را می توان به ۳ دسته موضوعی تقسیم بندی نمود:

- محیط اقتصادی مساعدتر
 - حکومتداری بهتر بویژه کاهش عملکردهای فاسد و تطبیق عادلانه تر قانون؛
 - افزایش انسجام اجتماعی.
- انتظارات فوق الذکر بر این پیش بینی استوارند که ادغام طالبان در نظام سیاسی می تواند منجر به کاهش مبارزات و قتل های هدفمند شود و شرایط را برای اصلاحات ساختاری محیا سازد.

برخی از اشتراک کنندگان فکر می کنند که تطبیق مؤثر قانون شریعت می تواند عدالت اجتماعی بیشتر و حکومتداری بهتر را از جمله از طریق برداشتن عناصر فاسد در درون دولت در پی داشته باشد. به طور کلی تر، اشتراک کنندگان توقع دارند که ثبات سیاسی

مسئله اول: نبود حاکمیت قانون

از نظر اشتراک کنندگان، تطبیق ضعیف قانون و برخورد غیرمنصفانه نظام عدلی-قضایی با شهروندان، بر مشروعیت دولت اثرات ناگواری وارد می کند و سبب تشدید جنگ در درون اجتماعات می شود. همچنین گفته شد که بعضی از بخشهای جمعیت، به شمول زنان، جوانان و اقلیت ها، به طور خاصی در برابر آزار و بدرفتاری از جانب دولت آسیب پذیرند.

اشتراک کنندگان همچنین فساد اداری گسترده را به عنوان عامل اثرگذار بر تضعیف نظام عدلی-قضایی عنوان کردند که پیش از این نیز ناکارآمد بوده و چنین پنداشته می شود که به قدرتمندان خدمت کرده و اقشار آسیب پذیر را به محرومیت میکشاند. یکی از پنالیست ها ضمن تصدیق این دیدگاه متذکر شد:

شاید بهترین چارچوب قانونی را در سطح منطقه داشته باشیم که شامل قانون اساسی و مجموعه ای از قوانین، فرامین و لوایح قانونی است که تصویب شده اند. متأسفانه اگر چیزی وجود داشته باشد که در این کشور تطبیق نمیشود، آن چیز قانون است. قانونگذاران خودشان قانون را نقض می کنند. [...] افرادی هستند که تا به آنها ۰۰۵ افغانی رشوت ندهید، اجازه نمی دهند تا به دفترشان قدم بگذارید. ما به بن بست خورده ایم. وضعیت به شدت وخیم شده و ایجاد تغییر از تصور ما خارج است. ریشه تمام این بدبختیها همانا چهاردهه جنگ و بویژه دو دهه اخیر است - پنالیست زن شماره ۱.

از دیدگاه اعضای گروه، رسیدگی به مسئله حکومتداری ناسالم و نبود حاکمیت قانون مستلزم آگاهی رسانی در مورد قانون و طرزالعمل های قانونی، مشارکت فعال تر جامعه مدنی و رسانه ها در نظارت بر قوه قضائیه و

اصلاحات ساختاری در نهادهای حکومتی می باشد. برای مثال:

نقش ارگان های نظارتی و جامعه مدنی، در بهترین حالت، مشاهده فعالیت های قوه قضائیه و نظارت بر میزان اجرایی شدن احکام در چوکات قانون است. تمام قضایا باید مطابق به قانون قضاوت شود و در زمان معینه حل و فصل گردد تا مردم اطمینان خاطر بیابند و اعتماد متقابل بین مردم و دولت افزایش یابد. - پنالیست مرد شماره ۱، جامعه مدنی.

پیشنهاد شد که حقوق مدنی باید از سنین پایین به متعلمان آموخته و در نصاب تعلیمی گنجانده شود تا به فهم نهادینه از حقوق و مکلفیت ها دست یافته و شهروندان آینده را قادر به مقاومت در برابر رفتار غیرمنصفانه بسازیم.

برخی از اشتراک کنندگان نیز حضور رهبران دینی و مشارکت فعال شان را در دفاع از حقوق شهروندان و نظارت بر تنفیذ قانون ضروری پنداشته اند.

در آخر، اعضای گروه عدالت انتقالی را به عنوان شرطی برای بنیان گذاشتن انسجام اجتماعی مطرح کردند. آنها بر اهمیت صورت بندی یک چارچوب برای حسابدهی به قربانیان و تعقیب عدلی مرتکبان قساوت ها و جرایم جنگی تأکید کردند.

مسئله دوم: تکثیر اسلحه

عامل دوم جنگ که توسط اشتراک کنندگان شناسایی شد، تکثیر اسلحه بود. این مسئله که بخش عمده جمعیت اسلحه دارند، به تشدید سریع جنگ های مقیاس کوچک کمک می کند و دسترسی آسان به اسلحه منجر به نهادینه شدن خشونت به عنوان یک هدف بویژه در میان مردان جوان می گردد. در شرایطی که فرصت های کمی برای عایدزایی وجود دارد، تفنگ و اسلحه به عنوان وسایلی برای کسب معیشت از طریق پیوستن به ملیشها و گروه های مسلح مخالف دولت در نظر گرفته میشود.

گسترش گروه های مسلح و ملیشه ها، مسئله ای است که با تکثیر اسلحه همبستگی متقابل دارد. پولیس محلی افغان نیز به عنوان عامل کمک کننده به تعمیم خشونت در نظر گرفته میشود:

این دولت بود که پولیس محلی افغان را بوجود آورد. گاهی اوقات به آنها معاش می دهد و گاهی اوقات معاش نمی دهد و برایشان اسلحه توزیع می کند و آنان نیز ملیشه ها را بوجود آورده اند. این گروه ها از همان آغاز مایه دردسر بوده اند. [...] اگر به جای آن بر تقویت پولیس وارد و تمرکز می کردیم، به پولیس محلی ضرورت نداشتیم. آنها [پولیس محلی] دزدی می کنند، غارت می کنند، جاده ها را مسدود می کنند و به طرق دیگر به مردم زورگویی می کنند و با این وجود تحت حفاظت و حمایت وزیر، والی یا قوماندان امنیه پولیس می باشند. پنالیست مرد شماره ۲، رهبر دینی.

اعضای گروه تأمین پاداش مالی در بدل اسلحه را به عنوان وسیله ای برای کاهش موجودیت سلاح در میان جمعیت عنوان کردند. با این وجود، دیگران معتقد بودند که مالکیت اسلحه یک مسئله پیچیده است که از طریق دادن پول نمی تواند حل شود. یک اشتراک کننده چالش های موجود را اینگونه ترسیم نموده است:

اگر سلاح داشته باشم، قدرت دارم، می توانم زمین و منابع آبی را غصب کنم و سرانجام بر مردم حکمرانی کنم. پس چه کسی حاضر است بیاید و سلاح های خود را تحویل بدهد؟ بگذارید یک داستان جالب را تعریف کنم که در طول ایام عید رخ داد. من به یکی از همسایه هایم گفتم که شب عید از خانه اش چندین فیر شد. او گفت "من بودم که فیر کردم تا همسایه ها بدانند که مسلح هستم و قدرت دارم تا هیچ گاه مرا تهدید نکنند." حل نمودن این مشکل در این جامعه نیاز به تلاش طولانی مدت دارد. اشتراک کننده مرد شماره ۱، جامعه مدنی.

راهکاری های طولانی مدت تری که توسط اعضای گروه پیشنهاد شد، بر تعلیم و آگاهی رسانی تمرکز داشته است. پیشنهاد شد تا خطرات مرتبط به اسلحه در مکاتب مورد بحث و گفتگو قرار گیرد تا به اطفال نشان داده شود که داشتن اسلحه کار درستی نیست. اشتراک کنندگان پیشنهاد کردند که کمپانیهای آگاهی رسانی در سطح اجتماعی باید نهادهای جامعه مدنی (از موسسات غیردولتی گرفته تا رهبران دینی، رسانه ها و شوراهای محل) را بسیج نمایند تا به آگاهی رسانی در مورد صدمات وارده توسط تفنگداران یا گروه های مسلح بپردازند، در مورد این مسئله با اجتماعات گفتگو نموده و برای کاربرد اسحه در سطح محل، مقررات وضع نمایند.



© FES, MADPO, APPRO / جلیل پویا

مسئله سوم: استخراج غیرقانونی معادن

استخراج غیرقانونی معادن عامل سوم جنگ است که توسط اشتراک کنندگان شناسایی شده است. دو موضوع توسط گروه مورد پوشش داده شد. نخست، استخراج غیررسمی معادن توسط اجتماعات محلی برای تأمین معیشت های بدیل و دوم، بهره برداری از معادن توسط قدرتمندانی که به قاچاق مواد معدنی گرانبها و استفاده از عاید آن برای خرید جنگ افزار میپردازند:

مردم اجتماعات محلی سال هاست که کنترل معادن طلا و سنگ لاجورد را از دست داده اند. وقتی مواد معدنی استخراج شود، استخراج توسط قدرتمندانی انجام می شود که مردم محل را از هر چیزی بجز کار روزمزد محروم می کنند. آنها سنگ لاجورد را برای مردم دیگر به بهای بسیار ناچیز استخراج می کنند. پنالیست زن شماره ۱،

جامعه مدنی.

از دیدگاه اعضای گروه، جنبه قانونی بخشیدن به معدن داری غیررسمی با تکنالوژی های سطح پایین و سرمایه گذاری در استخراج محلی می تواند به بهبود صنعت معدن داری در ولایات سرشار از معادن مانند بدخشان و تخار کمک نموده و فرصت های پایدار درآمدزایی را برای اجتماعات محلی به ارمغان آورد. نماینده گروه متذکر شد:

ما از یک سوی یک دولت داریم که نه توانایی بهره برداری از دارایی های معدنی را دارد و نه از قدرت لازم برای چنین کاری برخوردار است، و از طرفی هم، همین دولت میگوید کسانی که از معادن بهره برداری می کنند، این کارشان غیرقانونی است. پس کسانی که به آنها گفته میشود کارشان غیرقانونی است، سلاح های شان را برداشته و بر علیه دولت ایستادگی می کنند. اشتراک کننده مرد شماره ۲، جامعه مدنی.

اعضای گروه متذکر شدند که اگر دولت معادن موجود را بهره برداری و از کارگران حمایت می کرد، انگیزه اجتماعات برای مسلح شدن و کمک گرفتن از ملیشه ها کاهش می یافت و مشروعیت دولت بیشتر می شد. جنبه رسمی بخشیدن به سکاتور معدن داری غیررسمی و مسلکی کردن آن نیز به عنوان یک راهکار تولید عاید در نظر گرفته شده است که می تواند برای اجتماعات در عرصه های انکشاف زیربنا، پشتیبانی از تجارت های کوچک و ارتقاء تأسیسات تعلیمی سرمایه گذاری شود. موضوع بهبود شرایط کاری کارگران معادن از طریق تعقیب قانونی کسانی که حقوق شان را نقض می کنند نیز مورد تأکید قرار گرفت. اشتراک کنندگان همچنین بر اهمیت تأمین دسترسی به معادن از طریق سرمایه گذاری در زیربنای جاده ای و تکنالوژی استخراجی مصون تأکید نمودند.

با این حال، یکی از موانع رسمی سازی سکاتور استخراج غیررسمی همانا مدیریت معادن توسط قدرتمندان دارای روابط گسترده است که وسایل تولید را در انحصار خود درآورده و بر منابع کنترل دارند. اشتراک کنندگان

استدلال کردند که معادن باید به عنوان مالکیت عامه در نظر گرفته شوند و به اجتماعات محلی بازگردانده شوند. اما آنها تردید داشتند که دولت به تنهایی بتواند اجتماعات را در تلاش های شان پشتیبانی نماید. در واقع:

اجتماعات محلی باید همکاری نموده و مردم را بسیج کنند تا بفهمند که معادن دارایی آنهاست و نباید تصرف آن را برای منافع شخصی قبول نمایند. اشتراک کننده مرد شماره ۲، جامعه مدنی.

از میان عاملان و کارگزارانی که گفته می شود به طور بالقوه می توانند نقش مثبت و سازنده ای در این زمینه ایفا نمایند، میتوان به رسانه ها، رهبران دینی و برخی از نهادهای دولتی اشاره نمود. که همگی تاکنون در پشتیبانی از اجتماعاتی که معیشت های شان به طور کلی یا نسبی وابسته به معدن داری است، نقش محدودی بازی کرده اند.

اشتراک کنندگان به طور خاص متذکر شدند که رهبران دینی می توانند به مثابه دادخواهان حقوق اجتماع در ارتباط با منابعشان باشند و برای تأمین شرایط کاری مناسب دست به دادخواهی بزنند. یک پنالیست که خودش رهبر دینی بود، با این موضوع موافقت کرد که:

علما موظف به حصول اطمینان از این نکته اند که حقوق شهروندان از آنها ستانده نمی شود. همه ما در این سرمایه معدنی سهم داریم: زنان، مردان، ریش سفیدان. [...] تاکنون تنها تعداد معدودی از افراد چه از قوای مسلح سوء استفادهگر دولت و چه از میان آدم های نابکار از توده مردم کنترل منابع معدنی مان را از طریق زور به دست گرفته اند. بر همه ما، نه تنها بر مردان و زنان بلکه بر تمام افغانها و بویژه علماء واجب است تا در بین تمام شهروندان آگاهی رسانی کنند تا از حقوق مان محروم نشویم. پنالیست مرد شماره ۱، رهبر دینی.

در آخر، اشتراک کنندگان خواهان مشارکت هر چه بیشتر نهادهای ذیربط دولت به شمول وزارت معادن و پترولیم در مسلکی سازی معدنکاران و ارتقاء تکنیک

های استخراج، وزارت کار و امور اجتماعی در تأمین شرایط کاری مناسب و دفاتر ولایات در نظارت بر پروژه های استخراج معادن شدند.

مسئله چهارم: اقتصاد ضعیف

مسئله ای که بالای دو مشکل قبلی نیز تأثیرگذار است، عبارت از نبود معیشت ها می باشد. فقر و بیکاری خانواده ها را بر آن می دارند تا به انجام کارهای پرخطر تحت شرایط اغلب دشوار روی آورند. فقر و بیکاری همچنان سبب بروز نارضایتی نسبت به دولت و خشم نسبت به نخبگان فاسدی میشود که به انباشت ثروت از طریق شیوه های نامشروع میپردازند. چنانکه در بالا نیز گفته شد، نبود فرصت های عایدزایی به عنوان یکی از عوامل اصلی مشارکت مردان جوان در گروه های مسلح غیرقانونی در نظر گرفته می شود.

خویش گماری و فساد در دسترسی به کار نیز به عنوان یک عامل تعیین کننده در رشد اقتصادی عنوان شد که به افراد واسطه دار اما بی تجربه، به بهای ضرر رساندن به افراد شایسته و سخت کوش، فایده می رساند.

اعضای گروه بر لزوم پشتیبانی از تولیدات محلی و بویژه سرمایه گذاری در زیربناهای تولیدی در سطح محل تأکید کردند:

برای مثال در بدخشان نیروی کار و منابع آبی موجود می باشد. مشکل این است که ما سردخانه نداریم تا حاصلات مان را در آن ذخیره نموده و در فصل های مختلف سال به مصرف برسانیم. ما همچنان در تمام ولایات فابریکه نداریم تا چرخ تولید داخلی را به حرکت درآوریم. سرمایه گذاری در زیربنا می تواند منجر به ایجاد مشاغل شود و احتمال پیوستن جوانان را به گروه های مسلح مخالف دولت کاهش دهد، به شرطیکه این کار امکان پذیر باشد. اشتراک کننده زن شماره ۱، جامعه مدنی.

اشتراک کنندگان به طور خاصی امیدوار بودند که توافق میان جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان بتواند جنگ

را خاتمه دهد و سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در اقتصاد محلی را ترغیب نماید. آنها همچنین به لزوم داشتن یک دولت جدید تأکید کردند که از عملکردهای گذشته مبنی بر انباشت منابع و فرار سرمایه توسط نخبگان سیاسی، فاصله گیرد.

راهکار دیگری که مورد اشاره قرار گرفت، این بود که برای متشبثان کوچک کمک های مالی بلاعوض فراهم گردد تا بدین طریق تشبثات کوچک و متوسط بتوانند رشد کنند.

نتیجه گیری

از بحث هایی که در خلال گردهمایی صلح بدخشان انجام شود، چهار مشاهده عمده را می توان استخراج کرد.

مشاهده اول برجستگی ابعاد اقتصادی در مباحث مرتبط به صلح پایدار است. که بواسطه نارضایتی شدید نسبت به نابرابریهای گسترده در توزیع ثروت نمایان شده است. فقر و بیکاری یا کمبود فرصت های اشتغال هم به عنوان پیامد و هم به عنوان عوامل تشدید کننده جنگ عنوان شده اند. اندیشه عدالت اجتماعی و همبستگی اجتماعی نیز به کرات در خلال مباحث پیرامون شرایط صلح پایدار عنوان گردیده، و بین ثبات اقتصادی و توقف جنگ نیز رابطه آشکار برقرار شده است.

آتش بس نیز نکته دیگری است که هرچند پیش شرط صلح به شمار می آید، اما در صورت عدم سرمایه گذاری برای بهبود اوضاع اقتصادی شهروندان، کاهش نابرابری ها و از میان برداشتن امتیازات نخبگان فاسد، به تنهایی نمی تواند برای تحقق صلح در طولانی مدت کافی باشد.

دوم اینکه، اشتراک کنندگان نسبت به رژیمی که از سال ۲۰۰۱ بدین سو روی کار بوده است، دلسردی و ناامیدی شدیدی ابراز نموده اند. نهادینه شدن فساد به عنوان شکلی از حکومتداری، به مثابه عامل عمده جنگ در سطح محل عنوان شده است. مقامات دولت به عنوان کسانی در نظر گرفته می شوند که فاقد یکپارچگی لازم

در رفع منشاء جنگ بوده و در واقع به تشدید آن کمک می کنند. چون نخبگان سیاسی فاسد که دارای معافیت از مجازات و تعقیب قانونی می باشند، نسبت به نیازهای شهروندان بی توجه بوده و اغلب حقوق شان را پایمال می کنند. حکومتداری ناسالم به طور خاص به عنوان عامل عدم مشروعیت ساختارهای رسمی دولت و گسترش گروه های مسلح و ملیشه ها در نظر گرفته شده است.

در نقطه مقابل، چشم انداز رژیم جدید، هم مایه نگرانی شدید و هم روزنه امید برای بهبود حکومت بوده است. یکی از مطالبات اساسی اشتراک کنندگان این بود که باید شفافیت و حسابدهی بیشتری از جانب نهادهای دولتی فراهم گردد.

با این حال، محرز نبودن اینکه دولت جدید چه شکلی به خود خواهد گرفت، سبب بروز تشویش و نگرانی می شود. مشاهده سوم همانا سایه طولانی مدتی است که مذاکرات صلح دوحه بر مباحث مرتبط به صلح در سطح محل افکنده اند. عدم قطعیت و پیش بینی ناپذیری پروسه به نوبه خود پیش بینی این نکته را دشوار می سازد که جامعه مدنی (به معنای وسیع آن) برای تحکیم انسجام اجتماعی و تأمین شرایط صلح چه اقداماتی را می تواند انجام دهد. برخی از عواملان و کارگزاران مخصوصاً موسسات غیردولتی و فعالان حقوق بشری که در دو دهه گذشته از پشتیبانی تمویل کنندگان بین المللی برخوردار شده اند، به طور خاصی در این مورد تشویش دارند که نقش آنها در دولت جدید که قسماً یا کاملاً تحت کنترل طالبان خواهد بود، چگونه تعریف خواهد شد. جایگاهی که زنان در حوزه عمومی خواهند داشت نیز سوال مهم دیگری است که با توجه به ابهامات در مورد چگونگی تفسیر قانون شریعت و تردید در مورد مؤثریت نمایندگی زنان در دوحه وجود دارد.

در آخر اینکه توافق میان طالبان و جمهوری اسلامی الزاماً به عنوان چیزی که به جنگ خاتمه دهد، نگریسته نمی شود. برخی از اشتراک کنندگان تردید شدید داشتند که بعد از خروج نیروهای خارجی در سپتامبر ۲۰۲۱ طالبان تفنگ های شان را روی زمین بگذارند.

نگرانی های دیگری نیز وجود دارد مبنی بر اینکه صلح و آشتی چگونه می تواند در جامعه ای که در پرتو چهار دهه جنگ دچار شکاف های عمیقی شده است، تحقق یابد؛ شکاف هایی که با قومی سازی سیاست در بیست سال اخیر و تضادهای ایدئولوژیکی بین بخش های مختلف جامعه، تشدید شده اند.

قدردانی

عکس صفحه پوش توسط محمد عارف کریمی گرفته شده است.

تذکر قانونی و رفع ادعا

© حق کاپی و تمامی حقوق دیگر برای ORPPA، OPDAM و SEF محفوظ است.

هیچ یک از بخش های این اثر بدون کسب اجازه کتبی قبلی از موسسه APPRO (www.appro.org.af)، کتبی قبلی از موسسه MADPO (www.mediothek-afghanistan.org) و FES (www.afghanistan.fes.de) نمی تواند بازتولید و در سیستم بازیابی، ذخیره شود و یا به هر شکلی یا با استفاده از هر وسیله ای به جای دیگر انتقال داده شود.

- Afghan Aid (AAID) (2011). Dryness Impact Survey Report – Badakhshan. AAID. Available at: <https://reliefweb.int/report/afghanistan/dryness-impact-survey-report-badakhshan>
- Ali, Obaid, and Ruttig, Thomas (2019). Taliban attacks on Kunduz and Pul-e Khumri: Symbolic Operations Afghanistan Analysts Networks (AAN). 11 September. Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/taliban-attacks-on-kunduz-and-pul-e-khumri-symbolic-operations/>
- Ali, Obaid (201a) Afghanistan’s 2019 Election (22): Glances at Kunduz, Baghlan, Samangan. Kabul: Afghanistan Analysts Network (AAN), 30 October. Available at <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/political-landscape/afghanistans-2019-election-22-glances-at-kunduz-baghlan-samangan/>
- Ali, Obaid (2016). The 2016 Insurgency in the North: Beyond Kunduz city – lessons (not taken) from the Taliban takeover. Kabul: Afghanistan Analysts Network (AAN), 30 January. Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/the-2016-insurgency-in-the-north-beyond-kunduz-city-lessons-not-taken-from-the-taliban-takeover/>
- Clark, Kate (2019). A Maelstrom of Militias: Takhar, A Case Study of Strongmen Co-opting the ALP. Afghanistan Analysts Network (AAN), 14 November. Available at: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/war-and-peace/a-maelstrom-of-militias-takhar-a-case-study-of-strongmen-co-opting-the-alp/>
- BBC News (2019). Afghanistan gold mine collapse in Badakhshan kills 30. 6 January 6. Available at: <https://www.bbc.com/news/world-asia-46772155>
- Climate Center (2021). 13 million Afghans lack food as drought crisis intensifies. 21 April. Available at: <https://www.climatecentre.org/3968/13-million-afghans-lack-food-as-drought-crisis-intensifies/>
- Fishstein, Paul (2014). Evolving Terrain: Opium Poppy Cultivation in Balkh and Badakhshan Provinces in 2013. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU).
- Islamic Republic of Afghanistan, Central Statistics Organization (2018). Afghanistan Living Conditions Survey 2016-17. Kabul: CSO.
- Islamic Republic of Afghanistan, Ministry of Mines and Petroleum (n.d.). Takhar Province Mineral Appearances. Available at: <https://momp.gov.af/takhar-province-mineral-appearances>

Islamic Republic of Afghanistan, National Statistics and Information Authority (2021). *Afghanistan Statistical Yearbook 2020*. Issue No: 42. Available at: <https://www.nsia.gov.af:8080/wp-content/uploads/2021/04/Afghanistan-Statistical-Yearbook-first-Version.pdf>

Islamic Republic of Afghanistan, Central Statistics Organization, and United Nations Population Fund (2005). Afghanistan. A Socio-Economic Demographic Profile.

Kakar, Ajmal (2021). Takhar: Taliban earn millions of afghanis from illegal mining. Pajhwok Afghan News, 27 April 27. Available at:

<https://pajhwok.com/2021/04/27/takhar-taliban-earn-millions-of-afghanis-from-illegal-mining/>

Pajhwok reporter (2014). Mineral resources of Badakhshan province. Pajhwok Afghan News. 14 January. Available at: <https://mines.pajhwok.com/news/mineral-resources-badakhshan-province>

Samuel Hall (2010). *Review of Country Strategy (Badakhshan and Takhar)*. October. Available at: <https://static1.squarespace.com/static/5cfe2c8927234e0001688343/t/5d1de4ba345aa60001cfe3a0/1562240198554/Review-of-Country-Strategy-Mission-East.pdf>

United Nations Development Programme (UNDP). (2020). *Pitfalls and Promise: Minerals Extraction in Afghanistan*. Afghanistan Human Development Report 2020. Available at: https://www.af.undp.org/content/afghanistan/en/home/library/human_development/NHDR-2020.html

United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (2021). *Afghanistan: Weekly Humanitarian Update (24-30 May 2021)*. Situation Report, 2 June. Available at: <https://reliefweb.int/report/afghanistan/afghanistan-weekly-humanitarian-update-24-30-may-2021>

United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (2020a). *Takhar Operational Coordination Team (OCT) Meeting*, 13 April. Available at: https://www.humanitarianresponse.info/sites/www.humanitarianresponse.info/files/documents/files/afg_minutes_20200413_oct_ner_takhar.pdf

United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (2020b). *Kunduz Operational Coordination Team (OCT) Meeting*. 12 August. Available at: https://www.humanitarianresponse.info/sites/www.humanitarianresponse.info/files/documents/files/afg_minutes_20200812_oct_ner_kunduz.pdf

United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (2020c). *Baghlan Operational Coordination Team (OCT) Meeting*. Inter-Cluster. 17 November. Available at: <https://www.humanitarianresponse.info/sites/www.humanitarianresponse.info/files/documents/files/>

[afg_minutes_20201117_oct_ner_baghlan.pdf](#)

United Nations Assistance Mission in Afghanistan (2021). Afghanistan: Protection of Civilians in Armed Conflict. Annual report 2021. Available at: https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/afghanistan_protection_of_civilians_report_2020.pdf

United Nations, Secretary General (2021). The Situation in Afghanistan and its implications for international peace and security. UN Doc. A/75/811 – S/2021/252. 12 March. Available at: https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/S_2021_252_E.pdf

United Nations World Food Programme (WFP), United Nations Environment Programme (UNEP), Afghanistan's National Environmental Protection Agency (NEPA) (2016). Climate Change in Afghanistan: What does it mean for rural livelihoods and food security? November. Available at: https://postconflict.unep.ch/publications/Afghanistan/Afg_CC_RuralLivelihoods-FoodSecurity_Nov2016.pdf

Zucchini, David (2019). Captives and Defectors? Taliban Fighters Tell Conflicting Tales. 7 November. Available at: <https://www.nytimes.com/2019/11/07/world/asia/taliban-afghanistan-defectors.html>